

اجرای احکام کیفری در نظام دادرسی ایران در پرتو ملاحظات حقوق بشری با تاکید بر اسناد بین‌المللی

بهرروز جوانمرد*
قسمت سوم (پایانی)

چکیده: مرحله اجرای احکام کیفری آخرین مرحله از فرایند دادرسی کیفری در نظام حقوقی ایران است. قانونگذار ایران به ویژه بعد از انقلاب اسلامی در راستای اسلامی کردن تمام سطوح قانونگذاری به مرحله اجرای احکام کیفری نیز توجه داشته و در سیر امور تقنینی تلاش نموده موازین اسلامی را همواره در مطنح نظر خویش قرار دهد. اما در این میان برای حضوری موفق در سطح جامعه بین‌المللی تلاش نموده تا وجهه مقبولی با احترام به تعهدات بین‌المللی از خود به جای بگذارد که در برخی موارد با چالش‌هایی نیز مواجه شده است. در این مقاله تلاش می‌شود میزان تشبث و تقید قانونگذار ایران بعد از انقلاب به ملاحظات حقوق بشری در رابطه با مقررات مربوط به اجرای احکام در سطح مقررات فعلی فرا تقنینی، تقنینی و فروتقنینی و چشم انداز آینده تقنینی با تاکید بر دو سند بین‌المللی یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اجرای احکام کیفری، حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، موازین اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

هر حال در انتهای برخی آیین‌نامه‌های اجرایی هر قانون اشاره می‌شود که این آیین‌نامه به تصویب رئیس قوه قضاییه یا هیأت وزیران یا یک ستاد یا ارگان دولتی رسیده اما هیچگاه نام تدوین یا تنظیم‌کنندگان آیین‌نامه در روزنامه رسمی جهت اطلاع عموم درج نمی‌شود. حال آنکه در برخی موارد، مقررات آیین‌نامه‌ها از خود قانون مهمتر بوده و با جان و مال و حیثیت محکومان محاکم در ارتباط مستقیم است و جا دارد که مقنن با اصلاح و بازنگری در قانون اساسی ضمن اجازه به رئیس قوه قضاییه یا هیأت وزیران یا بالاترین فرد هر دستگاه دولتی برای تدوین آیین‌نامه‌های مربوطه آنها را ملزم نماید تا در انتهای هر آیین‌نامه اسامی و عناوین علمی و اجتماعی تنظیم‌کنندگان هر آیین‌نامه را برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی منتشر نماید. اهمیت این مورد تا بدانجاست که در برخی آیین‌نامه‌ها نظیر آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۷ ستاد مبارزه با مواد مخدر چون تنظیم‌کنندگان آن رعایت

۱- تحلیل و ارزیابی نظری و عملی اجرای احکام کیفری در گستره داخلی و بین‌المللی
۱-۱. بررسی مقررات داخلی در زمینه اجرای احکام کیفری در بستر مبانی نظری
از منظر پیامدهای نظری و عملی، اجرای احکام کیفری و مقررات موجود در سطح داخلی، ۳ موضوع قابل بحث است.

نخست، ضرورت دقت در تدوین و نگارش آیین‌نامه‌های اجرایی

نکته قابل تأمل در مورد آیین‌نامه‌های مصوب رئیس قوه قضاییه یا بالاترین فرد هر نهاد دولتی اعم از رئیس جمهور یا وزیران این است که هرچند خود آنها شخصاً در نگارش این آیین‌نامه‌ها نقش مستقیمی - به جهت مشغله کاری - نداشته و این امر را به گروهی از کارشناسان و متخصصان امر زیر نظر مشاوران یا معاونین‌شان واگذار می‌نمایند اما در

بین‌المللی نیز بر دوش نظام قرار می‌دهد. نکته قابل تأمل در خصوص اجرای علنی احکام اعدام حضور همه اقشار جامعه از جمله سالمندان و کودکان زیر ۱۸ سال در مراسم اجرای مجازات‌های سالب حیات است که شایسته است آیین‌نامه‌های ویژه اجرای احکام علنی این نوع مجازات‌ها از جهت شیوه و محل و ترتیبات اجرا نوشته و تنظیم شود (چنانچه اصل اجرای مجازات‌های سالب حیات در ملاء عام همچنان مورد تأکید متولیان دستگاه قضا باشد) تا اخبار و اطلاعات شامل عکس‌ها و فیلم‌های چنین مراسمی مستمسکی برای هجمه به نظام را از سوی مدعیان حمایت از حقوق بشر را فراهم نکند.

سوم، اجرای حدود الهی

«موضوع فلسفه و توجیه^۱ اقامه حدود و یا تعطیل آن در زمان غیبت معصومین (ع) از مسائل پر ماجرا در فقه امامیه است ماجرا به اندازه‌ای حاد است که فقهای ائمه را در دو جناح متقابل به صف‌بندی واداشته و به ارائه نظریات کاملاً متفاوت در قبال یکدیگر پرداخته‌اند.^۲» گروه اول معتقد به اجرای حدود الهی حتی در زمان غیبت معصومین (ع) هستند در مقابل برخی فقهای عظام با توجیه مصلحت اجتماعی و دفع افسد به فاسد و ملاحظات حقوق بشری و لزوم حفظ وجهه و شأن شریعت اسلام و جلوگیری از وهن این دین حنیف، معتقد به این نظر هستند که اساساً حدود شرعی در زمان غیبت امام معصوم (ع) قابل اجرا نیست و مجازات حدی باید به مجازات تعزیری تبدیل شود تا دست قاضی برای اجرا بازتر بوده به علاوه از فشارهای بین‌المللی و نهادهای به اصطلاح حامی حقوق بشر که غالباً در کشورهای غربی مستقر هستند، کاسته شود.^۳ شاید بتوان گفت که مبنای دو نظریه مذکور طریقت یا موضوعیت داشتن مجازات‌های حدی است. به این توضیح که گروه اول (موافقین) قائل به این هستند که اقامه حدود موضوعیت دارد و در هر صورت حدود معین شرعی بدون هیچ تغییری و در هر زمانی باید اجرا شود (صرف‌نظر از نوع تأثیرات در جامعه) برعکس گروه دوم که قائل به طریقت آن می‌باشند که بر این مبنا اجرای حد، مقصد نیست بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به مقصد - که همانا جلوگیری از مفاسد و اصلاح مجرمین و به تبع آن جامعه اسلامی - است. پس در زمان غیبت با اجرای تعزیرات متناسب با جرم نیز می‌توان به این هدف نایل شد.^۴

در این میان همراه با تدوین‌کنندگان قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، دیدگاه متولیان و مجریان حکومتی به نظر گروه اول یعنی اجرای حدود نزدیک‌تر است. به طوری که رئیس فعلی دیوان عالی کشور^۵ به عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی کشور^۶ در اظهارنظری اعلام داشته «ائمه ما خودشان حد را اجرا میکردند و اجراء حدود الهی یک وظیفه و عبادت است و مطمئناً اگر این احکام اجرا نشود کشور دچار هرج و مرج خواهد شد و نظم و امنیت کشور دچار مشکل جدی می‌شود.^۷» با این وجود به نظر می‌رسد شارع مقدس در جرم انگاری حدود الهی بیشتر به پاکسازی جامعه توجه داشته تا لزوم اجرای حدود چراکه اولاً از لحاظ ادله اثبات دعوا غالب حدود به دو طریق اقرار و شهادت شهود اثبات می‌شوند حال آنکه بیشتر حدود الهی ماهیت‌شان به گونه‌ای است که به دور از انتظار عمومی مرتکب می‌شوند این امر به ویژه در رفتارهای جنسی مصداق دارد. ثانیاً شرایط اختصاصی و اوضاع و احوال حاکم بر برخی حدود مثل سرقت مستوجب حد به گونه‌ای است که اثبات آن منوط به ۲۷ شرط می‌باشد و این خود نشان از حسن دقت شارع مقدس در اثبات واقعی این جرم داشته است. ثالثاً از منظر آیین دادرسی، رسیدگی غیابی به جرایم موسوم به حق‌اللهی امکان پذیر نیست و این یکی از جلوه‌های دادرسی منصفانه و عادلانه در رسیدگی به اینگونه جرایم است که لزوماً متهم باید از خود دفاع نماید و الا تا دستیابی به وی پرونده مفتوح باقی می‌ماند مگر قاضی

نگارش آیین‌نامه نویسی را نکرده و بعضاً در مقام وضع قانون قرار گرفته و خارج از حدود اختیارات رفتار نموده‌اند لذا مداخله هیأت عمومی دیوان عدالت اداری را ایجاب کرده و این مرجع قضایی بخش قابل ملاحظه‌ای از این آیین‌نامه را در طول سال‌های بعد از تصویب، ابطال کرده است. در مواردی نیز اشکالات متعدد در نحوه تنظیم یک آیین‌نامه باعث شده در مدت کوتاهی از آن عدول و لغو شده، آیین‌نامه دیگری جایگزین آن شود. به عنوان نمونه می‌توان به آیین‌نامه کمیسیون عفو، تخفیف و تبدیل مجازات مصوب ۱۳۸۷/۵/۱۶ مصوب رئیس قوه قضاییه اشاره کرد که دیری نپایید به موجب آئین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۲ ابطال گردید. به این ترتیب شایسته است مقنن اولاً رئیس قوه قضاییه را در جهت تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین کیفری ملزم نماید تا با تشکیل کمیته یا کمیسیونی از حقوق دانان و جرم‌شناسان، روانشناسان، جامعه‌شناسان، فقها، وکلای دادگستری و سایر رشته‌های مرتبط که برآمده از جامعه دانشگاهی باشند، اقدام به تدوین و تنظیم آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی نماید. ثانیاً تمامی آیین‌نامه و بخشنامه‌ها و شیوه‌نامه‌های اجرایی مصوب رئیس قوه قضاییه به همراه اسامی تمامی کسانی که در تنظیم و نگارش آنها نقش داشته‌اند برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی منتشر گردد.

دوم، اجرای مجازات‌های اعدام و قصاص نفس؛ از نفس اجرا تا اجرای

علنی

در اسناد بین‌المللی موسوم به حقوق بشری همواره به لغو یا تلاش برای جلوگیری از اجرای مجازات اعدام (جز برای مهم‌ترین جنایات) اشاره شده و تفکیکی بین مجازات قصاص نفس و اعدام حکومتی قائل نشده‌اند. لذا یکی از چالش‌های پیش رو در اجرای مجازات‌های سالب حیات به ویژه قصاص نفس این است که نهادهای غربی حامی حقوق بشر بین مجازات سالب حیات به عنوان یکی مجازات مصلحت‌مدار حکومتی مثلاً برای قاچاقچی مواد مخدر و مجازات قصاص نفس به درخواست اولیای دم تفکیکی قائل نبوده و در گزارشات سالیانه خود در مورد تقید ایران به رعایت حقوق بشر بر افزایش بالای اجرای مجازات سالب حیات تأکید می‌کنند. نکته دیگر مربوط به اجرای علنی مجازات‌های سالب حیات است. برخلاف تصور برخی مبنی بر جنبه بازدارندگی اجرای علنی مجازات به نظر نگارنده اجرای برخی مجازات‌ها مثل اعدام در ملاء عام، بیش از آن که مایه عبرت و بازدارندگی و جلوگیری از ارتکاب جرم شود، مایه ایجاد حس ترحم نسبت به برخی مجرمین به ویژه مجرمین اتفاقی یا هیجانی می‌شود. در هر حال مطابق آیین‌نامه نحوه اجرای احکام قصاص و اعدام مصوب ۱۳۸۲ همچنین در برخی قوانین خاص نظیر قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام در موارد استثنایی مقنن اجازه اجرای حکم اعدام در ملاء عام را داده است. با این وجود در مواردی رئیس قوه قضاییه از اختیارات خود استفاده نموده و در مواردی اقدام به صدور بخشنامه‌هایی در خصوص عدم اجرای بی‌رویه مجازات اعدام در ملاء عام بدون توجه به مصالح نظام نموده است. به عنوان نمونه بر اساس بخشنامه نهم بهمن ماه ۱۳۸۷ رئیس وقت قوه قضاییه - که البته در روزنامه رسمی جهت اطلاع عموم منتشر نشده است - اجرای احکام اعدام به صورت علنی، تنها با موافقت رئیس قوه قضاییه و بنابر ضرورت‌های اجتماعی امکان پذیر خواهد بود. به علاوه انتشار عکس و تصاویر مربوط به اعدام در رسانه‌ها نیز ممنوع است. همچنین نحوه اجرای حکم اعدام و اطلاع‌رسانی درباره آن نباید به شکلی باشد که جامعه، به ویژه جوانان و نوجوانان را دچار تنش روانی کند؛ با این وجود و به ویژه در سالیان اخیر موارد زیادی از اجرای احکام اعدام‌های حکومتی و احکام قصاص در ملاء عام صورت گرفته است که در هر حال هزینه‌های

مقرر در قانون قابل تخفیف یا تبدیل می‌باشد» در مورد اجرای مجازات‌های حدی (غیر از شلاق) چنانچه سالب حیات باشد بدون شرط اجرا می‌شود؛ مگر در مورد زن باردار یا شیرده که پس از تحقق زایمان و تضمین حیات نوزاد اجرا خواهد شد و چنانچه حد سالب حیات نباشد مانند قطع دست یا پا در صورتی اجرا می‌گردد که بیم خطر برای حیات محکوم‌علیه یا از بین رفتن عضو دیگری از او نرود. در موردی که محکوم‌علیه در شرایطی باشد که هیچ‌گاه نشود آن حد را بر او اجرا نمود، حد ساقط می‌شود و دادگاه صادر کننده حکم چنانچه مجازات دیگری برای آن در قانون معین نشده باشد، می‌تواند مجازات تعزیری شش ماه تا دو سال حبس را به تناسب نوع جرم و خصوصیات مجرم صادر کند. اما مهمترین ماده لایحه مجازات در خصوص اجرای حدود که به نوعی نوآوری تازه‌ای در حقوق کیفری ایران است در قسمت مربوط به زنا آورده شده که مقرر داشته «هرگاه اجرای حد رجم مفسده داشته و باعث وهن نظام شود، با پیشنهاد دادستان مجری حکم و تأیید رئیس قوه قضائیه در صورتی که موجب حد با بینه شرعی اثبات شده باشد، رجم تبدیل به قتل می‌شود و در غیر این صورت تبدیل به صد ضربه شلاق می‌گردد.» به هر تقدیر، چون قانون‌گذار، بخشنامه رئیس وقت قوه قضائیه مصوب ۱۳۸۱ را مبنی بر عدم اجرای مجازات سنگسار در مواردی که موجب وهن اسلام است به صورت قانون در آورده و آن را در قالب یک ماده قانونی گنجانده است عمل مثبتی تلقی می‌شود زیرا از رفتارهای سلیقه‌ای قضات در این رابطه جلوگیری نموده است. البته شایسته‌تر این است که همچون مجازات قصاص، اجرای مجازات حد رجم یا قتل نیز پس از استیذان توسط رئیس قوه قضائیه صورت می‌گرفت چراکه ظاهر ماده به گونه‌ای تنظیم شده که مقام تشخیص اینکه اجرای حد وجب وهن نظام است یاخیر، دادستان مجری حکم است و این خود باب تفاسیر سلیقه‌ای را برای این مقام، باز مفتوح می‌کند. نکته دیگر امکان تبدیل حد رجم به قتل یا صد ضربه نازیانه است در حالی که نویسندگان لایحه در تعریف حد به غیر قابل تبدیل بودن آن تأکید کرده بودند اما مشاهده می‌شود در موارد وهن نظام از تعریف کلی حدود و ضوابط و معیارهای مندرج در آن کمی فاصله گرفته‌اند. یکی از موارد قابل تحسین در فصل مربوط به حدود تأکید نویسندگان لایحه به ممنوعیت هرگونه تحقیق در این موارد است. در لایحه اشاره شده در صورت عدم قیام ادله اثباتی بر جرایم حدی این فصل و انکار متهم به جز در موارد احتمال ارتکاب با عنف، آزار، ربایش یا اغفال و اکراه هرگونه تحقیق و تفحص و کنکاش جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است.

در هر حال نویسندگان لایحه مجازات اسلامی که مشخص نیست چه کسانی هستند هرچند دست به نوآوری‌هایی در محدود کردن شرایط اثبات حدود همچنین اجرای حدود نموده‌اند اما همچنان در برخی موارد با همان دیدگاه نویسندگان قانون مجازات در اوان انقلاب اسلامی دست به قلم برده‌اند در حالی که جا داشت از تجربه سی ساله تقنین در امور کیفری بهره بیشتری با کسب مساعدت از حقوقدانان و جرم‌شناسان و کیفرشناسان دانشگاهی می‌بردند.

۲-۲ اجرای احکام کیفری در پرتو لایحه آیین دادرسی کیفری

لایحه آیین دادرسی کیفری محصول معاونت وقت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه است که در آبان ۱۳۸۶ توسط جمعی از پژوهشگران این مرکز به ریاست سخنگوی وقت قوه قضائیه (معاون حقوقی و توسعه قضایی) تحت نظارت رئیس وقت قوه قضائیه تدوین شده است. که مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ارجاع گردید و این کمیسیون لایحه مزبور را در ۷۰۰ ماده در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۲ به مدت ۳ سال آزمایشی به تصویب رسانده و جهت بررسی به شورای نگهبان

نظر به صدور رأی برائت داشته باشد.

از طرفی برخلاف دیدگاه‌های متولیان دستگاه قضا و برخی مجریان قانون!^۱ تفکرات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران هرچند مانند اکثر فقهای امامیه مبتنی بر اجرای حدود حتی در زمان غیبت امام عصر(عج) می‌باشد اما حفظ وجهه اسلامی را بالاتر از اجرای حدود می‌دانند به طوری که به عقیده ایشان «حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش بدهد، حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند، می‌تواند هر امر چه عبادی و یا غیر عبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج، که از فرائض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند»^۲. به این ترتیب همسو با دیدگاه مرحوم امام خمینی(ره) می‌توان نتیجه گرفت در اسلام، مصلحت نظام یا به بیان دیگر حفظ خود نظام مقدم بر سایر امور است و اگر مصلحت ایجاب نماید می‌توان از اجرای برخی احکام کیفری مبتنی بر آموزه‌های شریعت نیز علی‌رغم اعتقاد به اجرای آنها از منظر مبانی تئوریک، دست کشید. چیزی که نویسندگان لایحه آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی به آن نظر داشته‌اند.

۲- راهکارهای اصلاحی اجرای احکام کیفری در پرتو چشم‌انداز تقنینی

صرف‌نظر از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که هر دو برای مدت طولانی دوران حیات آزمایشی خود را سپری می‌کنند، متولیان دستگاه عدالت کیفری تلاش نموده‌اند با همکاری و مساعدت کارشناسان مورد اعتماد این نهاد دولتی لایحه دائمی آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی را برای تصویب به مجلس ارائه کنند که این مهم چند سالی است از سوی معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه صورت گرفته و هر دوی این لوایح در مجلس مطرح شده و حتی برای شورای نگهبان قانون اساسی ارسال شده است که البته اعضای این نهاد کنترل کننده بر قوانین عادی از لحاظ انطباق با موازین شرعی و قانون اساسی دست‌کم برای لایحه مجازات اسلامی بیش از ۱۰۰ اشکال شرعی به لایحه مذکور وارد کرده است و مجدداً برای بررسی به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ارسال شده است. در این قسمت مقررات عمومی و اختصاصی مربوط به اجرای احکام کیفری که در این دو لایحه گنجانده شده مورد بررسی قرار گرفته و حسب مورد پیشنهادهایی برای رفع کاستی‌های احتمالی برخی مواد این دو لایحه ارائه می‌شود. پیش فرض نگارنده بر این است که نویسندگان این دو لایحه با توجه به کاستی‌ها و ضعف‌های قوانین قبلی اقدام به تنظیم و ایجاد نوآوری در لوایح مذکور نموده‌اند.

۲-۱ اجرای احکام کیفری در لایحه مجازات اسلامی

باب دوم لایحه مجازات اسلامی اختصاص به حدود پیدا کرده است. نویسندگان در تعریف حد گفته‌اند «حد مجازاتی است که در شرع مقدس برای جرایم خاص و به میزان و کیفیت معینی مقرر گردیده و قابل تبدیل یا تخفیف و یا تعطیل نمی‌باشد و تفصیل آن به شرح مندرج در این قانون است.» به این ترتیب موضع تدوین کنندگان لایحه همچنان همسو با فقهای است که معتقدند در زمان غیبت امام و معصوم(ع) می‌توان به اجرای حدود دست زد.^۱ صرف‌نظر از برخی جرم‌انگاری‌های جدید در لایحه، برای حدود نظیر ساب‌النبی یا ارتداد یا جماع (زنا) با میت بیشتر مقررات همانند ق.م.ا. فعلی است. در رابطه با اجرا یا سقوط حدود اشاره شده «دادگاه نمی‌تواند در کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی تغییر یا تخفیف دهد و یا مجازات را تبدیل نماید و تنها از طریق عفو به کیفیت

آمده است «هرگاه محکوم‌علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا بوده و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد. چنانچه در جرائم تعزیری و بازدارنده امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پس از احراز بیماری محکوم‌علیه و مانعیت آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را جهت تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادر کننده رأی ارسال می‌کند.» هرگاه حین اجرای مجازات، بیماری حادث شود و تعویق اجرای مجازات فوریت داشته باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور توقف اجرای آن، طبق مقررات فوق اقدام می‌کند. نکته دیگر در مورد جنون پس از صدور حکم قطعی است که در ق.آ.د.ک. موجب سقوط مجازات تعزیری نمی‌شود اما به موجب ماده ۵۰۳ لایحه جز در مجازات‌های مالی، هرگاه محکوم علیه در جرائم تعزیری و بازدارنده، پس از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می‌افتد. اگر متهمی حکم برائت قطعی دریافت کند در ماده ۲۹۸ قانون فعلی مقرر شده که با هزینه خودش در روزنامه منتشر می‌شود اما در ماده ۵۱۲ لایحه به درستی آمده که از محل اعتبارات مربوط به اعتبارات قوه قضاییه حکم برائت وی به درخواست وی ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی به وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود. فصل دوم از بخش مربوط به اجرای احکام کیفری (مواد ۵۱۳-۵۲۸) اختصاص به ترتیبات اجرای مجازات حبس دارد. برخی ملاحظات حقوق بشری در این مواد به چشم می‌خورد. نخست تأکید بر تفکیک متهمان از محکومین، دوم تأکید بر نگهداری متهمان در بازداشتگاه‌های رسمی زیر نظر سازمان زندانها، سوم تبصره ماده ۵۱۵ لایحه مقرر می‌دارد «اگر مدت زمان تحت نظر قرار گرفتن متهم کمتر از بیست و چهار ساعت باشد، در احتساب ایام بازداشت، یک روز محاسبه می‌شود.» همچنین به موجب ماده ۵۱۶ «در مورد محکومیت به مجازات‌های اجتماعی، شلاق و جزای نقدی، ایام بازداشت قبلی موضوع ماده فوق به شرح زیر احتساب می‌شود: الف) به ازای هر روز بازداشت قبلی، یک روز جزای نقدی روزانه، هشت ساعت خدمات عمومی و پنج روز از دوره مراقبت کسر می‌شود. ب) در مورد محکومیت به شلاق به عنوان مجازات تعزیری یا بازدارنده به ازای هر روز بازداشت قبلی، یک ضربه از شلاق کسر می‌شود. ج) در مورد محکومیت به جزای نقدی، مطابق مقررات نحوه اجرای محکومیت‌های مالی اقدام می‌شود.» در ماده ۵۱۸ لایحه در مورد لزوم آزادی فوری محکوم علیه اشاره شده «قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است دستور تعیین وقت پرونده محکوم به حبس را به گونه‌ای صادر کند که حداقل یک هفته پیش از اتمام مدت حبس، پرونده تحت نظر قرار گیرد تا با تعیین تاریخ اتمام مدت حبس محکوم‌علیه، دستور آزادی وی را در تاریخ یاد شده صادر و به زندان اعلام کند. زندان مکلف است نتیجه اقدامات را بلافاصله به قاضی اجرای احکام کیفری اعلام کند.» تخلف از مقررات این ماده مجازات انتظامی تا درجه چهار و جبران خسارت حبس اضافی به محکوم علیه را برای قاضی اجرای احکام به دنبال خواهد داشت. اعطای مرخصی از نکات دیگر حقوق بشری است که در ماده ۵۲۰ لایحه ماهانه ۳ روز برای هر نفر پس از سپردن تامین مناسب با امکان افزایش به ۵ روز در مواردی همچون ازدواج یا بیماری حاد پیش‌بینی شده است. البته چنانچه فردی نتواند تامین بسپارد در ماه یک روز به مدت ده ساعت همراه مامورین مراقبتی می‌تواند به مرخصی برود. در صورتی که زندانی شاکی خصوصی داشته باشد برای جلب رضایت وی می‌تواند حداکثر یک هفته با قابلیت تمدید برای یک بار دیگر به مرخصی برود. در مورد همراهی کودک شیرخوار با مادر محکوم به زندانی در ماده ۵۲۳ آمده است «کودک

قانون اساسی ارسال نموده‌اند. تدوین‌کنندگان لایحه مذکور، عنوان کتاب اول را «آیین دادرسی کیفری» نام نهاده‌اند که این کتاب، مشتمل بر ۶ باب، ۲۶ فصل و ۱۶ مبحث است که ابواب آن به ترتیب درباره «کلیات، کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، دادگاه‌های کیفری، رسیدگی و صدور رأی، اعتراض به رأی، اجرای احکام کیفری و در نهایت هزینه دادرسی و سایر مقررات» است. مهم‌ترین تغییر در پیش نویس این لایحه چیدمان شیوه شماره‌گذاری مواد بود که از روش فرانسوی اقتباس شده بود. به این ترتیب همه مواد این لایحه، چهار رقمی بود که به ترتیب از سمت چپ به راست، بیانگر شماره کتاب، شماره باب، شماره فصل و شماره ماده بود. البته اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس مجدداً به روش سنتی شماره مواد را تغییر دادند. باب پنجم لایحه در ۷۵ ماده اختصاص به مقررات اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی دارد. این باب از ماده ۱-۱۵۱ تا ۹-۱۵۵ در پنج فصل (در حال حاضر از ماده ۴۸۴ الی ۵۵۸) ارائه شده است.^{۱۱} فصل اول در ۲۸ ماده به بیان اصول و قواعد عمومی حاکم بر اجرای احکام کیفری پرداخته است. مطابق ماده ۴۸۴ لایحه «اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان است و «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی در مناطقی که رئیس قوه تشخیص می‌دهد، در دادسرای عمومی و انقلاب عهده دار این وظیفه است» معاونت اجرای احکام کیفری به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجرا و مأمور مراقبتی در اختیار خواهد داشت. از نکات جالب این قسمت نوآوری‌های پیش‌بینی شده در ماده ۴۸۸ است که مقرر داشته «در هر معاونت اجرای احکام کیفری، واحد سجل کیفری و عفو و بخشودگی برای انجام وظایف زیر تشکیل می‌شود: الف) ایجاد بانک اطلاعاتی مجرمان خطرناک، متهمان تحت تعقیب و متواری و محکومان فراری؛ ب) تنظیم برگ سجل کیفری محکوم علیه در محکومیت‌های موثر کیفری با ثبت و درج مشخصات دقیق و اثر انگشت و تصویر وی به صورت الکترونیکی؛ ج) ثبت و ارسال درخواست عفو محکوم علیه و نیز پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومان طبق مقررات مربوط.» برخی ملاحظات حقوق بشری نیز در خصوص وظایف قاضی اجرای احکام کیفری قابل اشاره است. از جمله اتخاذ تصمیم نسبت به محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری‌های روانی و جسمی و صعب‌العلاج و سایر افرادی که نیاز به مراقبت و توجه ویژه دارند، از قبیل صدور اجازه بستری شدن زندانی در مراکز درمانی، نظارت بر زندانها و موسسه‌های کیفری در امور راجع به زندانیان. در مورد شیوه اجرای رأی در ماده ۴۹۸ لایحه آمده است «هرگاه شیوه اجرای رأی در دادنامه تعیین شده باشد، به همان ترتیب اجرا می‌شود و در صورت عدم تعیین شیوه اجرا، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق مقررات قانونی رأی را اجرا می‌کند.» نکته قابل تحسین در لایحه ماده ۴۹۹ در خصوص ممنوعیت اجرای علنی مجازات‌ها، جز در موارد استثنایی است که مقرر داشته «اجرای علنی مجازات ممنوع است، مگر در موارد الزام قانونی یا در صورتی که پیش از صدور حکم به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتکابی، نحوه ارتکاب جرم و سوابق مرتکب و بیم تجری او یا دیگران، دادستان اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و دادگاه با پیشنهاد وی موافقت کرده و به اجرای علنی مجازات در رأی تصریح کند.» علاوه بر این قاضی اجرای احکام در موارد زیر می‌تواند دستور تعویق اجرای مجازات را بدهد:

«الف) دوران بارداری؛ در صورتی که اجرای آن برای زن باردار یا جنین وی زیان آور باشد؛ ب) پس از زایمان حداکثر تا سه ماه؛ در صورتی که اجرای آن برای مادر زیان آور باشد؛ ج) دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی؛ در صورتی که اجرای مجازات در ایام شیردهی موجب ورود صدمه به سلامتی طفل باشد؛ د) اجرای مجازات شلاق در ایام حیض یا استحاضه.» به علاوه در خصوص بیماران در ماده ۵۰۲

مجازات‌های سنگین مانند حدود و تعزیرات شرعی، جلوی ارتکاب جرایم گرفته می‌شود. در حالی که علم و تجربه این تصور را تأیید نمی‌کند. بلکه آن‌چه جلوی ارتکاب جرم را می‌گیرد، بیشتر حتمیت در اجرای مجازات است، نه شدت و حدت و خشونت و سخت‌گیری در آن. به نظر می‌رسد مشکل اصلی در این زمینه، حتمیت نداشتن اجرای مجازات است. به این معنا که دستگیری و محکومیت و اجرا شدن مجازات در نظام قضایی کشور ایران بیش از حد طول می‌کشد و همواره با تردیدهایی همراه است که این خود در افزایش ارتکاب جرم موثر است. اطلاع دادرسی به ویژه در جرایمی همچون اسیدپاشی، آدم ربایی، سرقت‌های مقرون به آزار و زورگیری و تجاوز به عنف، نمایندگان مجلس شورای اسلامی را بر آن داشته تا در مرداد سال جاری طرح مبارزه با جرایم خشونت بار را با یک فوریت تقدیم مجلس نمایند. در صورت تصویب نهایی این طرح، اولاً رسیدگی خارج از نوبت و فوری خواهد بود. ثانیاً مهلت صدور رأی حداکثر سه روز پس از ختم رسیدگی و مهلت تجدیدنظرخواهی در این جرایم یک هفته خواهد بود. در هر حال یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد زمان و مکان در اجرای مجازات‌های حدود، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و در صورتی که مصلحت اجرای حد، با مصلحت مهمتری مثل حفظ نظام اسلامی تزاخم پیدا کند، اجرای حد بطور موقت تعطیل و یا تخفیف می‌یابد. نویسندگان لایحه مجازات اسلامی نیز چنین رویکردی داشته‌اند.

۲- بررسی مقررات تقنینی اجرای احکام کیفری در ۳ سطح کلان، عادی و فروتقنینی داخلی و مقایسه و انطباق آنها با الزامات مندرج در اسناد حقوق بشری بین‌المللی نشان می‌دهد صرفنظر از جرایم مستوجب حد و طرق اثبات و ادله قانونی مورد توجه قاضی برای اقبای وجدانی همچنین آیین دادرسی خاص حاکم بر این جرایم که برخی ریشه در قرآن کریم و برخی ریشه در سایر منابع معتبر فقهی دارند قانون‌گذار ایران در جرایم با مجازات‌های بازدارنده که غالباً مجازات حبس را در نظر گرفته، بیشترین ملاحظات حقوق بشری را رعایت کرده است به طوری که تقریباً در غالب مواد آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ به حقوق بشری و شهروندی محکومان توجه داشته و جنبه مکافات دهی و سزادهی مجازات در اولویت دوم بوده است و ملاک برای تنظیم‌کنندگان این آیین‌نامه بازتابی و بازسازی و بازپذیری اجتماعی محکوم برای زمان خروج از زندان و بازگشت مجدد اشتهی جویانه به جامعه بوده است.

۳- شاید علت اصلی در عدم کسب نتایج مطلوب در سیاست کیفری تقنینی و قضایی ایران بعد از انقلاب را باید در اختلاف در برداشت‌های فقیهان در خصوص کم و کیف جرایم حدی جستجو کرد^{۱۲}. البته اختلاف نظر بین علما و فقها و دکتین در خصوص موضوعات کیفری امری شایسته و بیانگر نشاط علمی جامعه است اما جایی که بحث جان و حیثیت شهروندان و حتی وهن نظام الهی به میان می‌آید باید از لفظ‌گرایی و معناستیزی دوری نمود به سمت مبنای‌گرایی و معنامداری تقرب جست.

منابع

الف - (کتاب، مقاله)

- جوانمرد، بهروز، فرایند دادرسی در حقوق کیفری ایران، انتشارات بهنامی، چاپ دوم، ۱۳۹۰
- حاجی ده آبادی، احمد، اجرای حدود در زمان غیبت، فصلنامه فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۷، صص ۳۵-۶۲
- سعید، علیرضا، قلمرو زمانی اجرای حدود، مجله قضاوت، شماره ۶۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰
- محقق داماد، سید مصطفی، حدود در زمان ما: اجراء یا تعطیل؟ مجله

شیرخوار را از مادری که محکوم به حبس یا تبعید شده است نباید جدا کرد، مگر اینکه مصلحت طفل اقتضا کند. در این صورت می‌توان کودک را به پدر و در صورت فقدان یا عدم صلاحیت وی به نزدیکان و یا موسسات ذیصلاح سپرد.» یکی از نوآوری‌های قابل توجه لایحه تعریف قانون اصلاح و تربیت و لزوم بازدید قضات دادگاه اطفال و نوجوانان حداقل ماهی یک بار از این کانون است. در ماده پایانی این فصل (ماده ۵۲۸) وزارت دادگستری با همکاری سازمان زندان‌ها مکلف به تدوین آیین‌نامه لازم برای ترتیبات نگهداری متهمان، محکومین اعم از بزرگسال و نوجوانان و اطفال با تأیید رئیس قوه قضاییه و بعد تصویب هیأت وزیران شده است. فصل سوم لایحه (مواد ۵۲۹-۵۴۰) در ۱۱ ماده به اجرای محکومیت‌های مالی اختصاص دارد. در این بخش تلاش شده تا مجازات‌های جایگزین حبس برای محکومین به جزای نقدی تا سقف پانزده میلیون ریال پیش بینی شود و برای محکومین به بیش از این مبلغ به ازای هر صد هزار ریال یک روز کسر می‌گردد. همچنین قاضی اجرای احکام کیفری این اختیار را دارد تا با شرایطی تا سقف ۲۰٪ از جزای نقدی را معاف اعلام کند. به علاوه امکان ارائه دادخواست تقسیط جزای نقدی جزء برای تاجرین که باید دادخواست ورشکستگی بدهند، قابل پذیرش است. فصل چهارم از قسمت اجرای احکام با عنوان اجرای سایر احکام کیفری در ۱۰ ماده از مواد ۵۴۱ الی ۵۵۰ در خصوص اجرای مجازات‌های سالب حیات، بدنی، تبعید و منع اقامت در محل‌های معین است که نویسندگان لایحه موضوع را به صورت تدوین یک آیین‌نامه مستقل بر دوش وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور گذاشته‌اند. فصل پنجم از مواد ۵۵۱ تا ۵۵۸ مدلهای جدیدی را در نظام دادرسی کیفری ایران پیش بینی کرده است. این بخش با عنوان «اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی» نام گذاری شده است. در این بخش مقرراتی در خصوص وظایف محکوم علیه در مواردی که امتیاز آزادی مشروط یا تعویق صدور حکم برخوردار می‌شود بیان شده. نویسندگان جزئیات بیشتر را به فصل مربوط به دادرسی‌های الکترونیکی ارجاع داده و پیش بینی کرده اند که نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق تعیین کیفر، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و نیز نحوه اجرای مجازات‌های اجتماعی به موجب آیین‌نامه‌های است که ظرف ششماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور و رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه شده و به تصویب رئیس قوه قضاییه میرسد.

در مجموع و به عنوان جمع‌بندی مهم‌ترین نوآوری‌های این پنج فصل را می‌توان پیش‌بینی «معاونت اجرای احکام کیفری»، واحد سجل کیفری و عفو و بخشودگی، «قاضی اجرای احکام کیفری»، اجرای قرار «تعلیق مجازات»، «آزادی مشروط»، «قرار تعویق تعیین کیفری»، «نظام نیمه آزادی» و «آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی» دانست^{۱۳}. تدوین‌کنندگان لایحه همچنین در ماده، چگونگی احتساب بازداشت‌های قبلی در محکومیت به مجازات‌های اجتماعی، شلاق و جزای نقدی را با ارائه ضابطه تعیین نمودند.

نتیجه‌گیری

به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت:

- ۱- قانون‌گذار و متولیان حکومت اعم از پلیس و دستگاه قضا در حال حاضر، نظر به اجرای حدود در زمان غیبت امام معصوم (ع) داشته به علاوه بر حتمیت و اجرای سریع این نوع مجازات‌ها تأکید دارند. با این وجود به نظر نگارنده این ساده‌نگاری است که تصور شود به صرف وجود

جرائم و سقوط مجازات‌های آن، از یک سو عنصر «رضایت» را در تحقق جرایم جنسی دخالت نداده است، به این معنا که رضایت طرفین رابطه جنسی در از بین بردن وصف مجرمانه عمل تأثیری ندارد؛ با این حال در اثبات سه جرم زنا، لواط و مساحقه چندان سخت‌گیری به خرج داده که اثبات آن - جز در مواردی که جرم کاملاً مشهود و در حضور جمعی صورت گرفته باشد - عادتاً امکان‌پذیر نیست. نک به: نوبهار، رحیم، اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی مستوجب حد در حقوق کیفری اسلام، نامه مفید، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۷۹

۷. زمانی رئیس وقت پلیس آگاهی اعلام کرده بود «حدود الهی قوانینی هستند که خداوند متعال برای حفظ و امنیت جامعه وضع کرده است. اجرا نکردن حدود الهی بزرگترین منشاء ریشه‌کن نشدن جرائم در کشور است. اگر حدود الهی در کشور اجرا شود بیش از ۹۰ درصد جرمی که در حوزه سرقت اتفاق می‌افتد دیگر رخ نخواهد داد و این به نفع مردم، امنیت کشور و اعتبار جمهوری اسلامی ایران است. این استدلال که اگر حدود اجرا شود مجامع بین‌المللی و حقوق بشر به جمهوری اسلامی ایران خرده می‌گیرند درست نیست، ما هرچه قدر هم در اجرای قوانین و اصول شرع خودمان عقب‌نشینی کنیم باز هم مورد تأیید مجامع بین‌المللی به‌ویژه غرب قرار نمی‌گیریم. بهتر است که ما وظایف خودمان را برابر عقل و شرع انجام دهیم و آسایش و رفاه مردم مد نظر ما باشد، نه رضایتمندی غربی‌ها.» جعفری، اصغر، وب سایت خبری تابناک، قابل دسترس در نشانی:

<http://www.tabnak.ir/fa/pages?cidv1999>

۸. موسوی خمینی، روح الله، حکومت اسلامی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹

۹. برخی نویسندگان معتقدند مجازات رجم در قرآن وجود نداشته بلکه حکم رجم در فقه شیعه مستند به اجماع و روایات عدیده است. به علاوه آیه دوم سوره نور «الزانیه و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائه جلده» مقتضی وجوب جلد بر همه زانیان اعم از محصنه و غیر محصنه است، و ایجاب رجم بر برخی به استناد خبر واحد مقتضی تخصیص عموم کتاب به خبر واحد است، و این جایز نیست. برای مطالعه بیشتر، نک به: محقق داماد، مصطفی، رجم از دیدگاه قرآن و سنت، ضمیمه روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۰۲۷، سه‌شنبه ۱۷ مهر ۱۳۸۶

۱۰. مثلاً ماده ۱-۱۱ به این معنا بود که از سمت چپ کتاب اول باب اول فصل اول - ماده ۱، مزیت این روش اینست که چنانچه نیاز به الحاق یک ماده در یک مبحث باشد دیگر نیازی به ذکر ماده مکرر نیست بلکه در پایان شماره مواد هر مبحث حسب مورد یک یا چند ماده اضافه می‌شود بدون آنکه ترتیب مواد دیگر به هم بریزد. البته یک باراد همچنان باقی است و آن زمانی است که حسب مورد یک یا چند ماده حذف شود که جای خالی مواد باقی می‌ماند مگر مقنن ترتیبی در این خصوص اتخاذ کند. لازم به ذکر است در لایحه مجازات اسلامی نیز در ابتدا چنین روشی اتخاذ شده بود که البته نمایندگان مجلس مجدداً شیوه سنتی شماره-گذاری مواد را برگزیدند.

۱۱. مصدق، محمد، اندیشه‌ها، سیاست‌ها و نوآوری‌های لایحه آیین دادرسی کیفری، مجله دادرسی، سال پانزدهم، شماره ۸۷، ۱۳۹۰، ص ۱۰

۱۲. لازم به ذکر است قرار تعویق تعیین کیفر، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سیستم‌های الکترونیکی اقتباسی از قانون مجازات فرانسه و آیین دادرسی کیفری این کشور است.

۱۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص این اختلافات، نک به: حسینی، سیدمحمد، حدود و تعزیرات (قلمرو، انواع و احکام)، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷

تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۷۸، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۶۱-۷۸

- مصدق، محمد، اندیشه‌ها، سیاست‌ها و نوآوری‌های لایحه آیین دادرسی کیفری، مجله دادرسی، سال پانزدهم، شماره ۸۷، ۱۳۹۰، صص ۳-۱۰

ب - (قوانین، آیین‌نامه‌ها، لوائح)

- لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰

- لایحه مجازات اسلامی، مصوب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸

- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۸

- قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی

- آیین‌نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق موضوع ماده ۲۹۳ ق.آ.د.ک. ۱۳۸۲ مصوب رئیس قوه قضاییه

- آئین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱۳۸۴/۹/۲۰ با اصلاحات بعدی مصوب رئیس قوه قضاییه

- آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۲۹۷ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۸۰/۶/۱۴ هیأت وزیران

پی‌نوشت‌ها:

۱. «یکی از مستشرقین درباره حدود اسلامی می‌گوید که این حدود، یک «ببر کاغذی» هستند. یعنی در ظاهر شدید و خشن هستند اما آن قدر شرایط تحقق و اثبات آنها مشکل است که بسیار کم اجرا می‌شود. پس وجود این‌ها بیشتر برای آن است که شهروندان را از ارتکاب اینگونه جرایم بترساند و این جرایم در ذهن مردم قبح داشته باشند. در واقع وضع این حدود بیشتر به این خاطر بوده که نمادی از قبیح و شنیع بودن این جرایم باشد. پس اساساً علت وضع این حدود این نبوده که هرچه بیشتر اجرا شود تا جامعه امن و عاری از جرایم شود. پیامبر اسلام هم می‌فرماید: این که کسی به اشتباه تبریئه شود، بسیار بهتر از خطا در محکوم کردن است.» به نقل از میرمحمد صادقی، حسین، مصاحبه با سایت خبر آنلاین، قابل دسترس در نشانی:

<http://www.khabaronline.ir/news23803.aspx>

۲. محقق داماد، سید مصطفی، حدود در زمان ما: اجراء یا تعطیل؟ مجله تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۷۸، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۶۱-۷۸

۳. البته برخی نیز معتقدند عدم اجرای حدود به دلیل وهن اسلام یا به طور کلی اقتضاء مصلحت موقتی بوده و هرگاه موانع مرتفع شود، حدود باید اجرا شود. نک به: حاجی ده‌آبادی، احمد، اجرای حدود در زمان غیبت، فصلنامه فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۷، ص ۳۵

۴. سعید، علیرضا، قلمرو زمانی اجرای حدود، مجله قضاوت، شماره ۶۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰

۵. محسنی گرکانی، احمد، سخنرانی رئیس دیوان عالی کشور در جلسه هیأت عمومی دیوان، قابل دسترس در وب سایت رسمی دیوان عالی کشور به نشانی:

<http://www.divanealee.gov.ir/Default.aspx?tabid=22&articleType=ArticleView&articleId=283>

۶. شارع مقدس اسلام در جرم‌انگاری جرایم جنسی مستوجب حد و تعیین کیفر برای آن و نیز طراحی نظام حاکم بر ادله اثبات این دسته از